

## زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی جهانی کارگران خود را به رژیم از گورستان تاریخ برآمده جمهوری اسلامی هم تحمیل کرده است. رژیم سرمایه جمهوری اسلامی در یکی دو ساله اول پس از قیام، ناگزیر شد با به حرکت در آوردن لشکریان حزب الله با عربده‌های "کارگر اسلام حامی توست"، به شیوه مزورانه به ابهت اول مه اعتراف کند. سران رژیم اسلامی در سال های بعد مجبور شدند به تعطیل کردن عملی کار در اول مه از سوی بخشی از کارگران یعنی کارگران صنایع و کارخانه‌های دولتی علی رغم قوانین اعلام شده شان و آنهم در اوج هجوم‌های پلیسی به جنبش کارگری رسمیت ببخشند. رژیم اسلامی از همان سال های اول تلاش کرده است که از طریق اجتماعات فرمایشی، روز جهانی کارگر را به مراسم تحمیل و ارباب و توهین به توده کارگران تبدیل کند. رژیم سالهاست در یک تلاش فریبکارانه، به جای روز کارگر "هفته کارگر" تعیین کرده است. مطابق این حيله گری "هفته کارگر" هر سال از یک هفته قبل از روز اول ماه مه روز جهانی کارگر آغاز می‌شود و به این روز ختم می‌گردد.

بنا به گزارش خیرگزاری حکومتی ایلنا، امسال نیز، نشست های اولیه پیرامون نحوه برگزاری برنامه‌های "هفته کارگر" ۹۸ برگزار شده اند. در این نشست ها که به حضور تشکل‌های زرد دولتی و با



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر



## جنبش کارگری از ماه می تا ماه می

## حضور و نقش زنان کارگر در اعتراضات کارگری



## فراخوان های مشترک تشکل‌های مستقل کارگری در ایران



## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می‌شود!

سرمدیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلاتی دادگستر کشور  
حزب کمونیست ایران

h.falain@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلاتی  
دادگستر (فکس)

takesh.komalah@gmail.com

دهند. کارگران ایران در این روز و در قطعنامه های خود بر خواست افزایش دستمزدها متناسب با تامین یک زندگی انسانی، تامین بیمه بیکاری مکفی، آزادی ایجاد تشکل های کارگری و آزادی زندانیان سیاسی به عنوان مبرمترین خواسته های خود تاکید می کنند. پافشاری بر این خواسته های عاجل نشانه آن است که طبقه کارگر ایران با تمام نیرویش بر حق انسانی توده های کارگر و محروم جامعه برای برخورداری از آسایش و رفاه تأکید میکند و پرچم مبارزه علیه این اوضاع نکبت بار را استوار در دست دارد.

از سوی دیگر، تأکید بر آزادی ایجاد تشکل کارگری و آزادی زندانیان سیاسی نشانه پیشتازی طبقه کارگر در مبارزه برای کسب آزادی های دمکراتیک است. تأکید بر آزادی ایجاد تشکل کارگری و خواست آزادی زندانیان سیاسی جزئی از خواست آزادیهای بی قید و شرط سیاسی است. طرح این شعار و تمرکز نیروهای طبقه کارگر برای تحمیل آن به رژیم، عملاً بدین معناست که رهبران جنبش کارگری عزم خود را برای ایفای نقش تاریخی خود در رهبری جنبش آزادیخواهانه ایران اعلام کرده اند. طبقه کارگر این ظرفیت و پتانسیل را دارد که با تکیه به نیروی خود در پیشپیش صفوف بخشهای تحت ستم و توده های محروم، جامعه را بسوی تحول انقلابی سوق دهد.

برگزاری مراسم اول مه یک آکسیون طبقاتی است. این تأکید از این جهت لازم است که بخوبی روشن شود، ما بهیچوجه خواستار یک "آکسیون حزبی و سازمانی" منزوی و جدا از حرکت طبقه، آکسیونی که نه بر پایه حرکت آگاهانه و مستقیم توده های کارگر، بلکه بر اساس حرکت جداگانه سازمانی قرار دارد، نیستیم. از این رو فعالین و پیشروان جنبش کارگری، تشکل ها و نهادهای مستقل کارگری لازم است علیرغم اختلافات سیاسی و نظری که با هم دارند برای سازماندهی نمایش اتحاد طبقاتی کارگران در اول ماه مه با هم همکاری و اتحاد عمل داشته باشند. منافع طبقاتی کارگران در مقابل سرمایه داران و دولتشان این نوع اتحاد عمل و همکاری ها را ضروری ساخته است، فعالین کمونیست باید نشان دهند که هیچ منافی جدا از منافع طبقه کارگر ندارند.



دبیری علیرضا محبوب برگزار شده‌اند، دیدار با ولی فقیه و تجدید میثاق با آرمان های خمینی و مسابقات قرآنی جامعه کارگری در روز اول "هفته کارگر" و در روزهای بعد برنامه دیدار کارگران با مراجع عظام تقلید؛ گرفتن وقت جهت طرح مطالبات و مسائل کارگران در تریبون های نماز جمعه در سطح کشور؛ گنجاندن برنامه برای بسیج کارگری؛ گنجاندن شعاری در راستای رونق دادن به تولید و همچنین اعتراض به گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه های تروریستی از سوی دولت آمریکا و ... در دستور کار تشکل های ضد کارگری حکومتی قرار گرفته اند.

با این وصف در تمام طول شش روز از طریق ابزارهای دولتی برای برگزاری مراسم مطلوب رژیم و کارفرمایان زمینه چینی می شود تا در روز هفتم دیگر هیچ نشانی از مبارزه جوئی، از اعتراض و از ترقی خواهی در مراسمی که برگزار میشود برجای نمانده باشد. از اینرو توده کارگران باید برای بایکوت قاطعانه، این برنامه ها و اجتماعات ضد کارگری تجهیز و مهیا گردند. تحریم این برنامه ها و اجتماعات زرد و فرمایشی یعنی اجتماعاتی که چه مستقیماً از سوی عوامل رژیم و چه با شعارهایی در تأیید رژیم، از طرف و یا با مداخله خانه کارگر رژیم، انجمن ها و شوراهای اسلامی بر پا می شوند، جزء لاینفکی از فراخوان و آکسیون اول مه است. اول مه دارای تاریخی ده ها ساله و سنتی است که خود به نیروی مادی عظیمی تبدیل شده است.

برگزاری مراسم و برپائی تجمع های مستقل کارگری در روز اول ماه مه، محور و اساس فراخوان ما برای برگزاری این همایش بین المللی کارگری است. اینکه این فراخوان در چه اشکال معینی سازمان خواهد یافت و عملی خواهد شد، موضوعی است که تا درجه زیادی بستگی به اوضاع و احوال مشخص هر محل و منطقه، فابریک و درجه آمادگی تشکیلاتی و پیوندهای مبارزاتی فعال در میان پیشروان و فعالین جنبش کارگری دارد. در این زمینه آنچه ما بعنوان یک رهنمود عمومی و سراسری میتوانیم بر آن تأکید کنیم دعوت از همه کارگران، خانواده های کارگری و انسانهای آزادیخواه و مبارز است که در مراسم و تجمع های روز اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت شرکت کنند. به کارخانه و محل کار نروند و در همان حال بکشوند مراسم و اجتماعات با شکوهتری بر پا دارند.

در روز اول مه، بر بستر یک سنت مبارزاتی و انترناسیونالیستی، کارگران هر کشور نیروی رزمنده و متحد خود را با طرح عاجلترین خواست هایشان در مقابل بورژوازی و قدرت حاکمه قرار می



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر (۲۰۱۹)

مطالباتی که در جریان این جنبش مطالباتی و اعتراضات بر آنها پافشاری می گردد تاریخاً و در طی چهار دهه گذشته بخشی از هویت سیاسی فعالین کمونیست جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی بوده اند. شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی بر بستر این توازن قوای جدید فریاد زده می شود و به حلقه پیوند بین جنبش های پیشرو اجتماعی تبدیل می گردد. این دستاوردها در نتیجه پیکار کارگران علیه سرمایه داران و به بهای فداکاری های آنان به دست آمده اند. آنها بهای مبارزه برای کسب آزادی و برخورداری از یک زندگی بهتر را با اخراج های دسته جمعی، با تحمل ضربه های شلاق، روانه شدن اسماعیل بخشی ها، علی نجاتی ها و سپیده قلیان ها به زندان و شکنجه گاه و سلول های مرگ پرداخته اند.

بحران ساختاری سرمایه داری ایران و تنگناهای چند جانبه و فساد که سر تا پای رژیم جمهوری اسلامی بدان گرفتار آمده است و درماندگی در کنترل این بحران ها و پاسخگویی به خواسته ها و مطالبات کارگران و تهیدستان شهری و روستایی، بیداری هر چه گسترده تر توده های کارگر و گسترش مبارزات کارگری و توده ای را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. رژیم با تکیه به حربه سرکوب و ارعاب نمی تواند جلو تداوم اعتراضات کارگران و توده های بیخاسته را بگیرد. در این شرایط تکامل و ارتقاء سازمانیابی طبقه کارگر برای تضمین پیشروی این جنبش اعتراضی جایگاه سرنوشت سازی پیدا کرده است.

تنها طبقه کارگر برخوردار از آگاهی طبقاتی و سازمان یافته در تشکل های طبقاتی و توده ای و حزب کمونیستی است که قادر است رژیم گنبدیده جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را در راستای تامین خواسته های کارگران و مردم ایران به زانو در آورد. تنها با تکیه بر نیروی طبقه کارگر سازمان یافته و با همراهی دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی است که می توان تلاش های نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوایی ایران و قدرت های بزرگ سرمایه داری برای به بیراهه بردن مبارزات مردم ایران و برای عقیم گذاشتن تحولات انقلابی در ایران را به شکست کشاند. در شرایط کنونی دامن زدن به اعتراضات و اعتصابات جاری و جنبش مطالباتی کارگران و دخالت فعالانه در این مبارزات، تنها راه واقعینانه برای ارتقای آگاهی سوسیالیستی کارگران و بستر سازی و کمک به ایجاد تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران است.

در شرایطی به اول ماه مه نزدیک می شویم که در ایران یک جنبش عظیم مطالباتی در جریان است. طبقه کارگر به دلیل گسترده بودن و انباشته شدن مطالبات و مستمر بودن اعتراضاتش در محور این جنبش مطالباتی قرار دارد. اعتصابات و اعتراضات شکوهمند کارگران نیشکر هفته تپه و فولاد اهواز نقطه اوج این جنبش مطالباتی بود. اما این جنبش به طبقه کارگر محدود نیست و کلیه اقشار فرودست جامعه را در بر گرفته است. بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، قربانیان تخریب محیط زیست، مال باختگان و ... همه اینها با خواسته هایی که دارند بخشی از این جنبش عظیم مطالباتی هستند. از آنجا که برپا کنندگان و فعالین و رهبران این جنبش اعتراضی به تجربه دریافته اند که در نظام سیاسی و طبقاتی حاکم امکان پاسخ گویی به این مطالبات در سطح کلان وجود ندارد، این اعتراضات به سرعت ابعاد سیاسی پیدا کرده و به رغم نتایج محدود اقتصادی دستاوردها و پیامدهای اخلاقی و سیاسی و مبارزاتی با ارزشی برای طبقه کارگر در بر داشته است.

تحت فشار تداوم و رادیکالیزه شدن این جنبش مطالباتی، اصلاح طلبان حکومتی که یکی از موانع بزرگ سر راه تعمیق و گسترش این جنبش بودند در معرض تجزیه قرار گرفته اند. آنان که در مدت زمان بیش از دو دهه گذشته مردم را با ترساندن از جناح افراطی و اصول گرا به دنباله روی از استراتژی سیاسی خود می کشاندند و در جریان نمایش های انتخاباتی به پای صندوق ها رأی می آوردند، اکنون دیگر نمی توانند مردم را با ترساندن از سوریه ای شدن اوضاع ایران به پشت سیاستهای خود بیاورند. ایدئولوگ های این جریان اعلام کرده اند که مبدا اصلاح طلبان در این شرایط بحرانی دست از پا خطا کنند و از اعتراضات مردم علیه رژیم حمایت کنند. این جنبش مطالباتی با توجه به ابعادی که دارد بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوایی حتی سلطنت طلبان را وادار کرده که ژست حمایت از این مطالبات را به خود بگیرند تا مجاری برای به بیراهه بردن و به انحراف کشاندن این مبارزات حق طلبانه پیدا کنند.

این اوضاع بر متن بحران ساختاری سرمایه داری ایران، تشدید تحریم های اقتصادی و بیکاری و فقر و فلاکتی که به کارگران و اقشار فرودست جامعه تحمیل شده است، به لحاظ عینی زمینه مناسبی را برای گسترش فعالیت سوسیالیستی فراهم آورده است. چون در واقع خواسته ها و

### رفقای کارگر!

بگذارید با اعلام تحریم مراسم های فرمایشی و زرد دولتی، با انرژی و شور فراوان برای برگزاری هر چه با شکوه تر مراسم و تجمع های مستقل کارگری در روز اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت تلاش کنیم. بگذارید بنا به سنت هر ساله با صدور قطعنامه





## اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست

### در پشتیبانی از تجمع های اعتراضی سراسری معلمان ایران

امر آموزش و پرورش در این جامعه وارد آورده است.

برپایی تجمع اعتراضی سراسری معلمان و فرهنگیان در شرایطی که هر روزه شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری و دیگر اقشار فرودست جامعه هستیم، بخشی از اعتراضات اجتماعی گسترده ای است علیه شرایط نابسامان اقتصادی و فقر و فلاکتی که بر معلمان و کارگران و اقشار کم درآمد جامعه تحمیل شده است. بدون شک اعتراض سراسری معلمان در شرایط کنونی بر فضای سیاسی جامعه تأثیر گذاشته و جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را به جلو می برد. ما نیروهای امضا کننده این اطلاعیه از تجمع های اعتراضی سراسری معلمان و فرهنگیان در روز پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت حمایت می کنیم و از کارگران و مردم مبارز و آزادیخواه می خواهیم به هر طریقی که می توانند از اعتراض حق طلبانه معلمان حمایت کرده و برای پیروزی آن تلاش نمایند. ما همه نیروهای سیاسی و انسانهای آزادیخواه را فرامی خوانیم که صدای معلمان در فراخوان تجمع سراسری شان در آستانه روز معلم باشند.

#### پیروز باد جنبش معلمان و دانش آموزان

#### سرنگون باد رژیم سرمایه داری

#### جمهوری اسلامی

#### زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۴ اردیبهشت ۱۳۹۸

۲۴ آوریل ۲۰۱۹

امضاها:

اتحاد فدائیان کمونیست

حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سازمان راه کارگر

سازمان فدائیان (اقلیت)

هسته اقلیت



شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، طی اطلاعیه ای به تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۹۸ در آستانه روز معلم، فرهنگیان سراسر کشور را به تجمع سراسری در راس ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه دوازدهم اردیبهشت فراخوانده است. این فراخوان ضمن اینکه تصویری از شرایط کنونی جامعه ایران که در آن گرانی و تورم زندگی را برای اکثریت زحمتکشان سخت تر کرده است ارائه می دهد، اشاره دارد که حقوق و درآمد معلمان سنخیتی با قیمت های نجومی ندارد و معلمانی که در گذشته مجبور به کار در شغل دوم و سوم بودند، بخاطر بیکاری گسترده باید به اتکا حقوق ناچیز معلمی از پس هزینه های هنگفت بر آیند، که این امر با توجه به سیر نجومی قیمت ها سخت تر از هر زمانی گشته است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ضمن تبریک فرا رسیدن روز معلم و روز جهانی کارگر به تمام معلمان و کارگران ایران بار دیگر عزم و اراده معلمان بر ادامه مبارزه تا تحقق خواسته هایشان را اعلام کرده اند. شورای هماهنگی در این فراخوان بار دیگر بر خواسته های معلمان از جمله: بهینه سازی آموزش در مدارس، توقف خصوصی سازی آموزش، حق تشکل یابی مستقل، رفع موانع ناشی از اعمال سلیقه ای و فراقانونی در مسیر فعالیت های قانونی تشکل های صنفی فرهنگیان، ایجاد بیمه کارآمد برای فرهنگیان، اجرای دقیق مصوبه ی نظام پرداخت هماهنگ حقوق و دستمزد و دفاع از حقوق معلمان بخش خصوصی، آزاد و خرید خدمت تأکید کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در طول چهار دهه از حاکمیت خود اگر از یک طرف با دخالت دادن مذهب در امر آموزش و پرورش تلاش کرده تا مدارس و دانشگاه ها را به مرکز ترویج جهل و خرافه مذهبی تبدیل کند، از طرف دیگر با دخالت های پلیسی در نهاد آموزش و پرورش و پاکسازی های سیاسی و ایدئولوژیک و تحت فشار قرار دادن زندگی و معیشت معلمان ایران و با خصوصی سازی ها ضربات جبران ناپذیری به

→ های خود ادعای جنبش کارگری علیه سرمایه داران و دولت حامی آنها را اعلام کنیم. با طرح مطالبات کارگران و تأکید بر خواسته های آزادی خواهانه، عزم خودمان را در مبارزه علیه فقر و تبعیض و نابرابری و فساد، علیه آپارتاید جنسیتی، علیه سلب آزادیهای سیاسی و سرکوب و زندان و اعدام، اعلام کنیم و پیام اول ماه مه روز کارگر را هر چه رساتر به گوش مردم ایران برسانیم. با تأکید بر همبستگی انترناسیونالیستی کارگران اعلام کنیم که رژیم جمهوری اسلامی خود باید هزینه جدال و کشمکش ارتجاعی با آمریکا را پردازد.

امسال در شرایطی که در نتیجه فساد و سوء مدیریت رژیم یک بلای طبیعی به یک فاجعه انسانی و زیست محیطی تبدیل شده است و با توجه به ابعاد ویرانگر سیل و خسارات مالی و جانی گسترده ای که در بیش از دویست شهرستان ایران بار آورده و ناکارآمدی و بی مسئولیتی این رژیم فاسد در زمینه کمک به مناطق سیل زده، لازم است پرداخت خسارات از جانب دولت به آوارگان و زیان دیدگان این فاجعه یکی از مطالبات کارگران باشد.

برای تدارک بهتر مراسم و آکسیونهای اول ماه مه همه فعالین سوسیالیست و جنبش کارگری با گرایشات سیاسی مختلف دست در دست هم بگذاریم. بگذارید مراسم و تجمع های اول ماه مه هزاران مبارز جدید را به سوی آرمان رهایی بخش کارگران جلب کند و نیروهای ما را در نبرد عظیم برای رهایی تمام زحمتکشان و آزادی مردم ایران از شر و فساد جمهوری اسلامی و از یوغ سرمایه، افزون نماید! حزب کمونیست ایران اول ماه مه این نماد همبستگی شورانگیز طبقاتی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر را به همه کارگران تبریک می گوید.

#### زنده باد اول ماه مه

#### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

#### زنده باد آزادی، برابری،

#### حکومت کارگری

#### کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

فروردین ۱۳۹۸

آوریل ۲۰۱۹



عباس منصوران

## طبقه کارگر و جنبش کارگری از ماه می تا ماه می

### مبارزه دستاوردهای نیروی کار

کارگران اما بردباری و تن سپاری را بر نتابیدند. معادله ستمبری و خاموشی از دیماه ۹۶ به هم خورد. شعار نان، کار، آزادی، خودمدیریتی شورایی! شعار کارگران از هفته تپه تا فولاد اهواز، و آموزگاران در سراسر ایران در تمامی همایش های کارگری، شعار محوری شد و در همایش های دانشجویان پیشرو و مدافع جنبش کارگری بازتاب یافت. نان و کار و آزادی و خودگردانی شورایی، شعار مطالباتی خود طبقه بود و به خواست روز طبقه تبدیل شد.

### گذری به توهم رفرم

این اعلام طبقاتی، شعاری برای فردا نبود که باید برای «دوران گذار» چشم به راه پاسخگویی بماند و یا چشمداشتی به اصلاحات و رفرم اقتصادی و «استحاله» حکومت باندها، دل به سراب و توهم خوش کند. «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا!» اعلام موضع طبقه کارگر در برابر تمامی باندهای حکومتی سپاه - خامنه ای و دولت میانه باز بود. این شعار مکمل شعار مطالباتی اقتصادی - سیاسی نان، کار، آزادی! بود. در این جا دیگر مجال برای چنین توهم و تفسیری که کارگران را به صبر و شکنجایی برای دستیابی به «مطالبات» و «برات» حکومتی امیدوار می سازد باقی نمی ماند. اگر دیدگاهی کارگران هفت تپه و فولاد اهواز را به زیاده خواهی سرزنش کند و اندرز دهد که درخواست تاکتیکی بازگرداندن مسئولیت کارخانه های خصوصی شده به دولت و بازستاندن از بخش خصوصی با نظارت کارگران «زیاده طلبی و چپ روی» بوده، برداشتی واقع بینانه از نیرو و پتانسیل طبقه کارگر در ایران ندارد. اگر طبقه کارگر به چنین بینشی پیروی کند، به جای پیشاهنگی، دنباله رو رخدادها می شود. چنین برداشتی می تواند کارگران را به جنبش خودبخودی بکشاند و دنباله رو «طبقه متوسط» و آلترناتیوهای سرمایه داری گردد. چنین رویکردی، ترمزی برای جنبش کارگری می شود و در صورت به کاربندی، جرات انقلاب را از کارگران می گیرد. این بینش، کارگران را تا سطح تحلیلی ذهنی و نه عینی واپس می کشاند، بی آنکه خود،

آشتی با مناسبات موجود و تن سپاری به حاکمیت سرمایه و خاموشی در برابر این نابودی، ناشدنی و غیرقابل پذیرش، زیرا که مبارزه طبقاتی بین کار و سرمایه، مبارزه ای است آشتی ناپذیر. به بیان دیگر، سرمایه داری، پایان تاریخ جهان نیست. تاریخ سرمایه داری محکوم به پایان است، زیرا که سرمایه داری می تواند با نابودی زمین، تاریخ زمین را پایان دهد. به بیان دیگر یا سرمایه به تاریخ زمین پایان می دهد، یا طبقه کارگر، پایان سرمایه داری را رقم خواهد زد. همانگونه که برده داری و نظام ارباب و رعیتی پایان یافت، طبقه کارگر به حکم ماتریالیسم دیالکتیک و دیالکتیک تاریخی، باید این مناسبات ویرانگر را با انقلاب به مناسباتی سزاوار انسان دگرگون سازد. تاریخ سرمایه داری سخت ترین و خونبارترین تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است که جز ویرانگری زمین، فلاکت، بیدادگری، ستم و بهره کشی برای کارگران و میلیاردها ستمبر جهان به بار نیاورده است. این تاریخ و این مناسبات باید با انقلاب کارگری سرنگون شود تا همه بخش های زیر ستم سرمایه به خواست های انسانی خویش برسند و سوسیالیسم تحقق یابد. از آنجا که به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهان، موضوع ما جغرافیایی به نام ایران است، وظیفه انترناسیونالیستی ما نیز پرداختن، شرکت و پیشبرد مبارزه طبقاتی در این بخش از جهان می باشد.

### سال کارگران در ایران

در سال گذشته نیز، فروشنندگان نیروی کار در ایران، با شمار افزون بر ۴۰ میلیون نفری خود و خانواده، به همراه تهی دستان شهر و روستا - به سان متحدین طبقاتی کارگران - به دست سرمایه داران، شدیدتر از سالهای پیش به بردگی کشانیده شدند و دسترنجشان ربوده شد، دستمزدهای ناچیزشان پرداخته نشد، خود و خانواده ی کارگری ایشان برخلاف اعتراف حکومتیان نه ۳ و نیم برابر، نه تنها زیر خط فقر، بلکه تا پنج برابر زیر خط فقر مطلق نشانیده شدند، رنج طبقاتی بر تن و جانشان سرنیزه زد، به فلاکتی مرگبار دچارشان ساختند و با هر خواست ساده و ناچیز، پاسداران اسلام را غرق در سلاح در برابر خود دیدند.

اگر بازگشت های سالانه اول ماه می را گزارشی برای سوخت و ساز یک ساله جنبش کارگری در نظر بگیریم، ارزیابی یکساله ی این مبارزه همیشه جاری، اعتراض و درگیری های طبقاتی و سرکوبگری های دشمن طبقاتی در عرصه ی جهانی را از کجا باید آغاز کنیم؟ از ایران، آفریقا، اروپا، آمریکا، آسیا و یا از همه جهان؟ از آنجا که طبقه سرمایه دار و طبقه ی کارگر، دو طبقه متضاد و اصلی در گستره ی جهانی است، مبارزه این دو طبقه در دو سوی یک جنگ طبقاتی شدت یابنده پیش می رود. سوی ارتجاعی این مبارزه، طبقه ی بورژوا است که برای حاکمیت و ماندگاری این مناسبات از هیچ جنایتی فروگذار نیست و در سوی دیگر طبقه کارگری ایستاده است که برای لغو و رهایی از این مناسبات، باید آگاه و سازمان بیابد تا وظیفه دیالکتیکی و تاریخی خویش را به سرانجام رساند. مبارزه طبقاتی در سال گذشته در گستره ی جهانی، در همه عرصه ها به گونه ای فزاینده ادامه داشته است.

در کشاکش این مبارزه و یادآوری نمادین جهانی آن، در اول ماه می، در سراسر جهان، طبقه کارگر به میدان می آید تا قدرت و همستگی و مبارزه خود را یادآور شود و خیابانها و میدان های همه جهان را به لرزه افکند. به هرگونه، از هر جا که در این جهان سرمایه زده و در حال نابودی آغاز کنیم به یک نتیجه می رسیم: و آن اینکه جهان، بیش از همیشه به دست سرمایه داران جهانسوز و حکومت هایشان به گرداب نابودی افتاده است، زیست و بوم جهان که هستی از آن زندگی می گیرد، به کالا تبدیل شده و برای سودافزایی در تنور سرمایه مصرف می شود و به نابودی افتاده، فلاکت و ستم و مرگ و نیستی، همانند گردبادی سهمگین، گسترش یافته و در این سوی تضاد اصلی بین کار و سرمایه، مبارزه طبقاتی کارگران و در برابر این شرایط اوج گرفته است. چنین شرایطی، ضرورت نجات جان جهان و هستی و زیست و بوم و ماه و سیاره های نزدیک زمین و زیر تهاجم را به همراه رهایی آدمی از بردگی و خواری، صدچندان کرده است. ویرانگری سرمایه داری، از گرداگرد جهان فراتر رفته و تا آنجا که جنگ ستارگان اش اجازه می دهد کشانیده شده است.

رانندگان شرکت اتوبوسرانی واحد در تهران و حومه، شوراهای کانون های صنفی آموزگاران، زنان کارگر و زیر ستم سراسر ایران، رانندگان و تپی دستان شهر و روستا، بازنشسته گان و مال باخته گان، کوله بران و دانشجویان پیشرو همه به سوی همبستگی و به پژواک خواست های مشترک و طبقاتی، سمت و سو گرفتند. کارگران و ستمکشان، رهبران محلی و شایسته خویش را در دل مبارزه های میدانی پروراندند و به سوی سیاست گرایبی نزدیک شدند.

سلاح سرمایه، نیروهای تادندان مسلح سرکوب، شکنجه و تجاوز و داروی روان گردان. تهدید و بیکارسازی و مرگ آفرینی از گرسنگی و شوهای تلویزیونی اعتراف به گرایش های سوسیالیستی، فریب، نفوذ عناصر مزدور امنیتی، اعلام مجامع عمومی حکومتی با دست اندرکاران اطلاعاتی و شوراهای اسلامی (نمونه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که بیش از ۴۰ تن از افراد حکومتی را به بسیج نیاورد) و نمونه هفت تپه با ثبت نام اجباری و بدون خبر به کارگران، همه با شکست روبرو شدند. مستند سازی حکومت اسلامی در پی شکنجه اسماعیل بخشی و سپیده قُلبان و عسل محمدی ها و علی نجاتی، به ضد خود تبدیل شد و مستندی از جنایت رژیم و به سربلندی شکنجه شدگان انجامید. این

ترفندها و سرکوب مکمل، و فریب و نقش سلاح های ایدئولوژیک و فیزیکی حکومت سرمایه، قادر به مهار و کنترل جنبش کارگری نگردیدند. اگر افت گذرای همایش های هفت تپه و فولاد را شاهدیم، عقب نشینی حکومت اسلامی، وعده های دروغین و پرداخت های کمی از دست مزدهای عقب افتاده و نیز نمونه هپکو، بازگرداندن هپکو از بخش خصوصی به دولتی و عواملی گذرا از جمله سبب ها بوده اند. این فروگاهی فوران گذرا، نشانه پایان یابی، یا خستگی و شکست مبارزه طبقاتی و پیکار نیست. این مبارزه شهاب نیست که فرومیرد، آتشفشانی هرآینه فعال است و گدازان که فورانی انقلابی می یابد. مبارزه کارگری هر چند نه تنها در آزمون و برآمد سکوهای اعتصاب در هفت تپه و فولاد، بلکه در میان سیل بهار ۹۸ در بیشتر شهرها همواره جاری و با میانگین ۱۵۰ اعتصاب و همایش خیابانی در ماه، در گیرودار بوده است. این نشانه ی خیزشی است تراکم یافته ی سالهای سال پیش از سال ۵۷ و ۴۰ سال حکومت اسلامی که بدون شک، فوران می یابد. از این روی انتقال حشد الشعبی، نیروی برون مرزی سرکوب از عراق، «جنبش النجبا» و گروه فاطمیون لبنان و افغانستان و سوریه به استان های خوزستان و لرستان



به بهانه کمک به سیل زدگان، یک

مطالبات تن می سپارند؟! رفرم در چنین شرایط و حکومتی، سراب و بیابان است، نان و کار و آزادی، توهمی است که تنها دولت های رفاه و سوسیال دمکرات های دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۵ پیشا نئولیبرالیسم و گلوبالیزاسیون می توانست وعده دهد و در اقتصاد کینزی مدتی بحران سرمایه داری را مهار کند و تولید را سازمان دهد! باندها در ایران، راهی جز تشدید استبداد ذاتی سرمایه داری و حاکمیت اسلام سیاسی ندارند. بر آوردن شعار نان، کار، آزادی و خودمدیریتی شورایی در ایران تنها با سرنگونی انقلابی حکومت و مناسبات حاکم، پاسخ می گیرد. این شعار محوری، از سوی طبقه کارگر، شعاری تبلیغی، و سازمانگر انقلاب بوده و می باشد. این شعار سرخ بر تارک ماه می تا ماه می میدرخشد.



## آسمان کار

فضای جامعه با حضور همه روزه ی هزاران کارگر معترض در سراسر ایران قطبی شده و مطالبات و اعتراض ها رنگ و نوای طبقاتی و ضدسرمایه داری به خود گرفته و به چپ گراییده است. از رانندگان کامیون، تا زنان و برگزاری های روز جهانی زن (هشت مارس) در ایران، تا کارگران شرکت واحد در تهران و حومه، آموزگاران، این بخش پیشرو طبقه کارگر، تپی دستان روستا که برای نان و سهم آب به گلوله بسته شدند، مالباخته گان، کولبران، بیکاران و بازنشسته گان، زلزله زدگان سالیان سال از بم و منجیل و انزلی تا کرمانشاه و ایلام و سیل زدگان امسال و وو با مطالبه های زیستی و صنفی، مسلسل های سپاه سرمایه را در برابر خود دیدند. این همایش ها و اعتراض ها و جنبش کارگری، رهبران محلی خویش را در اعتصاب ها و اعتراض های روزانه، همانند دانشگاه انقلاب بر بستر خویش پروراندند، به سازمانیابی آغازیدند و به خودآگاهی روی آوردند.

با برآمد جنبش کارگری در دیماه ۹۶، اعتصاب و همایش، سلاح و آموزشگاه مبارزه طبقاتی گردید، تمامی بخش های کارگری در تولید و خدمات از هفت تپه، فولاد، هپکو در اراک، عسلویه، معادن مس در کرمان، ذغال سنگ،

گامی به جلو بردارد. این نگرش و تحلیل، واقعیت را به گونه ای دیگر و سرانجام در توازن شمار و نفرات لایه های میانی می بیند. این نگرش، نقش، جایگاه، نیرو، پتانسیل و وظیفه ی طبقه کارگر افزون بر ۴۰ میلیونی در ایران را در تولید و گردانیدن چرخه و هستی جامعه دست کم می گیرد. این بینش بر ذهنیت مکانیکی تمرکز یافته است. در حالیکه طبقه کارگر، بسا فراتر از این برداشت مکانیکی و ذهنی در دنیای واقعیات مبارزاتی خویش گام برداشته است. حسن نیت چنین تفسیری برای شیفته گان رفرم در چارچوب حکومت موجود و مجذوبان «طبقه متوسط»، مشروعیت بخش می شود. «سوسیال دمکرات های» ایران، از این تفسیر جوازی می یابند تا طبقه کارگر را مرعوب نیروی اقتصادی و مدیریت و پشتوانه سرمایه جهانی سازند. طیف توده ای که سوسیالیسم را از هم اکنون «باور» دارد و مدعی است که از هم «اکنون» برای آن مبارزه می کند. طیف توده ای، تشنه و پرچمدار چنین نگرشی است و سازماندهی تحقق اقتصاد سوسیالیستی را به نوبت های بعدی وعده می دهد. چنین نگرشی، برای مخالفین انقلاب کارگری پشتوانه ای می شود تا کارگران را به بازی در میدان دیگر طبقات فراخوانند.

اما، کارگران با شعار: مرگ بر این حکومت! سال ۹۷ نیر همانند سال ۹۶ دیگران را به بیداری خواندند. آیا تجربه ۴۰ ساله ی جنبش کارگری و سوسیالیستی و این همه جنایات رژیم و کشتارها کافی نیست که هرگونه چشمداشت رفرم و پاسخگویی باندها به مطالبات نان، کار، آزادی! را توهم افکنی و ساده اندیشی بنامیم! باندها، نان را از سفره تپی دست ترین آلونک نشینان و تولیدگران، همانند دورانی که حلوا را از سنگ قبر مردگان چنگ می زدند، می ربایند. لشکریان فریب و دعا با آیه های مرگ و ایدئولوژیک و قرآنی با شلاق و مسلسل و دار و درفش، سلاح سرمایه داران را بر گلولی کارگران نشانیده، بیکارشان می سازند، آزادی اشان را با آیه های فریب در گلو خفه کرده و به مرگشان کشانیده، کوله بران زن و مرد را به رگبار می بندند، کارگران پیشرو را به شلاق و داروهای خودکشی آور و تجاوز و توبه می نشانند، کارگران گرسنه با دستمزدهای ماهها پرداخت نشده را در قهقرای فقر مطلق نشانیده، کودکان و زنان را به بردگی جنسی و گرداب مرگ و اعتیاد و به خیابان های نیستی فروافکننده و برای بقا مناسبات حاکم، خاورمیانه و بخش هایی از آفریقا را به میدان ترور و جنگ تبدیل کرده و جهان را ناامن ساخته، آیا این باندهای تبهکار، به رفرم و پاسخگویی به

حالی که در ۶ سال گذشته جنگ حکومت اسد با مردم سوریه و سرکوب کارگران و زحمتکشانش، به کمک حکومت ایران، روسیه، چین، ترکیه و داعش و ارتجاع منطقه، میانگین ماهانه ۶ میلیارد دلار و روی هم رفته ۳۶ میلیارد دلار گزارش شده است. در شرایط کنونی، «ایران با شدیدترین بحران اقتصادی در تاریخ خود رو به رو شده و شاخصهای تورم به میزان بی سابقه ای فروپاشی واحد پولی ایران در بازار را لحظه شماری می کند. با فروپاشی ارزش پول، قحطی و مرگ باریدن می گیرد.

در این سال سیاه، از صف های خرید نان و پیاز برای فرار از مرگ، مستند سازی حکومتی است از یک فلاکت سراسری.



## کشتی شکسته گان، از باد شرطه خبری نیست!

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی اعتراف می کند که «۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند.» و مسعود نیلی، دستیار حسن روحانی هشدار داده بود که «همه در یک کشتی نشسته ایم و اگر این کشتی غرق شود، همه ضرر می کنند.» وی خواستار «بازسازی امید و اعتماد مردم به آینده از گفت و گوی ملی» و این گفت و گو از اقتصاد آغاز می شود. افزون بر ۷۰ میلیون تن از کارگران و تهی دستان و توده های لایه های میانی جامعه در سومین کشور تولید کننده نفت جهان و دومین تولید گاز جهان به فلاکت نشانیده شد و ایران در ردیف فقیرترین کشورهای پیرامونی جهان درآمد. علیرضا محبوب، سردسته سرکوبگران حکومتی، «رئیس فراکسیون کارگری مجلس» فرمانده سرکوب کارگران در ریاست خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار سرمایه، تنها نیمی از واقعیت را چنین اعتراف می کند: «ما معتقدیم خط فقر مطلق با توجه به پرداخت هایی که وجود دارد نسبت به سال گذشته حداقل دو برابر شده است یعنی دامنه شمول خط فقر مطلق از ۱۷ درصد به ۳۴ افزایش داشته است.» (۱۴،۱۰،۲۰۱۸) محبوب

اقتصادی از منفی ۱۶ درصدی سال ۲۰۱۸ به منفی ۳۸ درصدی سقوط کرده است و این روند همچنان به قهقرا خواهد رفت. از سال ۲۰۱۸ به بعد کسری تراز مالی ایران بنا به درصدی از درآمد ناخالص سراسر (GDP) تشدید شده و از ۱۸ درصد به ۴۸ درصد رسیده است. بنا به پیش بینی بانک جهانی، این روند در سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تشدید شده و تراز مالی ایران تا آنجا به قحطی و فروپاشی سرعت می گیرد که یک گونی پول به پیازی هم نمی ارزد. صندوق بین المللی پول بسیار بدبینانه تر از بانک جهانی پیش بینی می کند رشد اقتصادی ایران (رشد تولید ناخالص داخلی) در سال ۲۰۱۹ منفی ۶ درصد باشد.

بحران اقتصادی و سیاسی حاکمیت دلالتان سرمایه و سرمایه داری در ایران، سال ۹۷ اوجی شتابنده گرفت. بنا به برآورد مرکز آمار ایران، «تورم کالاهای خوراکی آشامیدنی و دخانیات در فروردین ماه نسبت به فروردین ۱۳۹۷ حدود ۸۵.۳ درصد و تورم کالاهای غیرخوراکی تنها ۳۷.۸ درصد بوده است.» این گزارش حکومتی، نرخ تورم ماهانه در شهرها و روستاها به ترتیب در شهر نزدیک به ۵۰ درصد و تورم روستایی را نزدیک به ۵۹.۴ درصد اعلام کرده است. کافی است به افزایش نرخ گوشت از ۲۰ هزار تومان به ۱۲۰ هزار تومان و افزون تر اشاره کنیم و نرخ دیگر کالاهای حیاتی و صف برای نان و پیاز که برای افزون بر نیمی از افراد جامعه تنها منبعی است برای زنده ماندن با نان و پیاز، تا نرخ تورم و افزایش غیرقابل کنترل آن پی ببریم. بیکاری افزون بر ۴۰ درصدی را صندوق بین المللی پول در پایان سال گذشته میلادی به ۱۵.۴ درصد گزارش می دهد و آخرین گزارش مرکز آمار ایران که مدعی است که نرخ بیکاری تنها ۱۱.۷ درصد بوده است. یادآور می شویم که مرکز آمار حکومت اسلامی کسانی را که هفته ای تنها یک ساعت کار می کنند، در لیست شاغلان قرار می دهد. صندوق بین المللی پول، نرخ بیکاری در ایران را برای سال آینده اوج یابنده و تا ۱۶.۱ درصد اوج پیش بینی می کند و این خود هرچند تنها ۳۰ درصد واقعیت را بیان می کند، اما گویای اوج یابی بیکاری و پرتاب صدها هزار انسان به گرداب مرگ و فلاکت است. بنا به گزارش صندوق بین المللی پول، ایران در سال جاری (۹۸) رشد اقتصادی منفی را همچنان در پیش روی خواهد داشت و حتا واپس مانده تر از یمن که با جنگ داخلی فاجعه باری گرفتار آمده و رشد اقتصادی مثبتی خواهد داشت، قرار گرفته است. بنا به گزارش صندوق بین المللی پول، تنها سودان و ایران در سال ۲۰۱۹ رشد منفی خواهند داشت. در

شوک درمانی حکومتی برای لشکر کشی و انتقال نیروهای پشتیبانی برای بسیج و سپاه سرمایه بوده است.

## کاستی ها و آزمون ها

کارگران باید خود را در آینه ی خویش ببینند و «برای خود» شوند یعنی به انقلاب کارگری افق گیرند. از آنجا که طبقه کارگر، زیرین ترین طبقه اجتماعی است، تنها با رفع ستم طبقاتی از خویش است که تمامی جامعه را از ستم و فرودستی رهایی می بخشد. این قانون علمی و دیالکتیک تاریخ است. تنها راه رهایی جامعه و همه جنبش ها و خیزش های اجتماعی، مانند رفع ستم بر زنان، رفع ستم بر ملیت ها و اقوام و باورهای دیگر، رفع ستم بر کودکان و نابودی طبیعت و زیست و بوم، رفع ستم بر لایه های زیر ستم جامعه و وو به این واقعیت دیالکتیکی گره خورده است که «کارگران باید از یک طبقه درون خود به طبقه ای برای خود» دگرگون شوند. اگر حکومت هنوز جارو نشده، بخش مهم چرایی این ناکامی، نه نیروی سرکوب و شکست ناپذیری حکومت سرمایه در ایران، بلکه به سبب نارسایی ها است که ما یعنی جنبش کارگری و سوسیالیستی نیز در آنها نقش داشته ایم. پراکندگی و نبود اتحاد عمل نیروهای جنبش سوسیالیستی، عدم پاسخگویی به ضرورت قطب انقلابی، نقش اپورتونیسیم و رفرمیستها درون جنبش سوسیالیستی و سازمان های چپ و کمونیست و نیز نهادهای صنفی کارگری مانند اتحادیه گرایي ها و سندیکالیسم اقتصادی، نقش سکتاریسم و بی مسئولیتی برخی از نیروها و محافل و عناصر مدعی چپ و سوسیالیسم، بی تجربگی رهبران محلی جنبش کارگری در تشخیص درست زمان فراخواندن اعتصاب و تثبیت دستاوردها و تاکتیک توقف و تهاجم و دوباره فراخوانی، تمرکز سخنگویی و رهبری در دست شمار کمی از فعالین کارگری و گاهی نمونه هفت تپه بردوش یک نفر، نادیده گرفتن مانورهای باند سپاه و خامنه ای در نشان دادن همدلی با کارگران (نمونه پولاد اهواز و هفت تپه) و نمایش مقصر دانستن دولت روحانی و وو نمونه هایی از عناصری بودند که در ناکامی گذرای جنبش کارگری تاثیر گذار شدند.

## بحران اقتصادی

تا آنجا که به شرایط اقتصادی رژیم باز می گردد، بحران اقتصادی در این دوره، شدید تر از پیش حاکم شد. گرداب رکود تورمی اکثریت توده های جامعه را به فلاکت هولناک تری کشانید. بنا به گزارش بانک جهانی، رشد



همین نارسایی ها، برنامه انقلابی و برنامه حاکمیت شورایی، تجربه های انقلاب های کارگری از کمون تا اکتبر و حضور رهبران و سازمانگران میدانی این جنبش و نیز ارگانهای گوناگون صنفی و طبقاتی کارگران در سراسر ایران و وجود سازمانها و نیروهای وابسته به جنبش سوسیالیستی، از جمله بنیادهای مادی و لازم شرایط ذهنی هستند، مگر آنکه بر آنها چشم ببندیم.

**تشکیل هسته های کارگری - سوسیالیستی، تضمین کننده گسترش خودآگاهی و سازمانیابی شورایی و طبقاتی است. رهایی انسان در گرو تداوم جنبش کارگری و سوسیالیستی و پیوند آن و پیروزی جنبش سوسیالیستی در گرو انقلاب کارگری است.**

۲۲ آوریل ۲۰۱۹ / دوم اردیبهشت ۱۳۹۸

یعنی به آگاهی طبقاتی، به بایستگی مسلح نشده، به حزب کمونیست خویش پیوند کافی و لازم نیافته، به پیوند بین جنبش سوسیالیستی و کارگری پشتوانه نگرفته، و در سوی دیگر با تخریب تولید و بیکار سازی میلیونی و تهاجم ایدئولوژیک و سرکوب و قتل و کشتار و تهدید و اخراج و گرسنگی دست به گریبان بوده است. کشتار نزدیک به صد هزارتن از مبارزین و معترضین در دهه شصت تا کنون و مرگباری این حکومت را نیز باید به این فاکتورهای تاثیرگذار افزود. این جنبش، در بیم و امید به سر می برد، بیم مرگ و ویرانی و امید به سرنگونی و رهایی و در حالیکه نجات بخشی از آسمان و آنسوی آنها و قهرمانی در میان نیست، جز طبقه کارگر با خویشتن خویش. طبقه کارگر خدای سرنوشت ساز خویش است آنگاه که **خودآ شود.**

شرایط عینی انقلاب کارگری با حضور طبقه کارگر صنعتی و شاخه های دیگر تولیدی و خدماتی افزون بر ۴۰ میلیونی ارتش کارگری در گرو آماده یابی شرایط ذهنی یعنی سازمانیابی و آگاهی است که در شرایط اعتلایی و انقلابی، جهشی انقلابی خواهد یافت. برخلاف ذهنیت بینابینی مدعیانی که بین شرایط عینی و ذهنی، دیوار چین و دره ای درازی و دیوار چینی تبلیغ می کنند، بین شرایط عینی و ذهنی در دنیای کنونی انقلاب رسانه ای و آمادگی طبقه کارگر برای پرورش آگاهی و سازمانیابی، به «دوره آماده سازی» و وعدهای دور نیاز ندارد. شرایط رو به اعتلاء یا فرارونده و بالنده کنونی، جنبش کارگری، ره چندین ساله ی شرایط رکود سیاسی را کوتاه تر از آنچه به پندار موعظه گران راه لاکپشتی می آید می پیماید. بین همخوانی شرایط عینی و ذهنی در شرایط کنونی و حضور طبقه کارگر با شعارهای طبقاتی و سیاسی (نان، کار، آزادی، خودمدیریتی شورایی!) روشن است که سنجیده و هنرمندانه و دانش ورزانه، کوتاه خواهد بود. وجود حزب کمونیست با

با اشک تمساح وانمود کرد: " سال گذشته ما گفتیم که کمتر از سه میلیون تومان دستمزد در ماه توجیهی ندارد و این تحلیل برای قبل از این شرایط بود و قطعاً الان با شرایط فعلی این رقم بالاتر می رود". حکومت اسلامی با همه این اعتراف ها، دستمزد کارگران را تنها ۱۰ درصد افزایش داد و از ۱ میلیون و صد و چهارده هزار تومان به یک میلیون پانصد و هفده هزار تومان رسانید که نسبت به گرانی افزون بر ۱۰۰ درصدی ادعایی خود حاکمیت سراپافساد، تنها ده درصد افزایش صوری یافته یا به بیان دیگر نسبت به سال گذشته افزون بر ۱۰۰ درصد کاهش یافته است.

در فروردین ماه ۹۸، گزارش افزایش افزون بر ۱۰۰ درصدی نرخ گروه خوراکی ها نسبت به فروردین ماه سال گذشته با رشد چشمگیری روبرو بوده است، به گونه ای که به ترتیب برای خوراکی ها ۸۵.۲ درصد، نان و غلات ۲۹ درصد، گوشت قرمز و سفید و فرآورده های آنها ۱۱۶ درصد، گوشت قرمز و گوشت ماکیان ۱۱۷ درصد، ماهی ها و صدف داران ۱۰۸.۳ درصد، شیر، پنیر و تخم مرغ ۷۷.۲ درصد، روغن ها و چربی ها ۵۳ درصد، میوه و خشکبار ۱۱۱.۶ درصد، سبزیجات و حبوبات ۱۵۷ درصد، شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی ۶۴.۲ درصد و چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آب میوه ۶۷.۵ درصد رشد داشته اند.

استثمار کارگران و فروش هستی جامعه باید هزینه جنگ نیابتی در سوریه می شد و در یمن و عراق به حشد الشعبی و در لبنان و سوریه به حزب الله و امل و جهاد اسلامی، حماس و ووو حکومت با کسری بودجه افزون بر ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو می شود و راهی جز چاپ اسکناس بی پشتوانه و تزریق به بازار نمی یابد که به تورم بازهم بیشتری می انجامد و این روند، فاجعه آفرین و انحطاط می شود.

## این حکومت و مناسبات باید جارو شود!

در اینجا برای بسیاری این پرسش خودنما می شود که با این همه فلاکت و این نیروی طبقاتی کارگری و لایه های زیر ستم با اکثریت نزدیک به ۸۰ میلیونی، چرا این حکومت و این مناسبات جارو نمی شود؟! مهمترین سبب ها را می توان اینگونه یافت که: تنها رسالت رهایی به دوش طبقه کارگری است که به سان نیروی اجتماعی - تاریخی هنوز به بایستگی، سازمان نایافته، به آنگونه که باید به دانش مبارزه طبقاتی





مرضیه نظری

## حضور و نقش زنان کارگر در اعتراضات کارگری

حضور داشتند. آنها به درستی ماهیت دشمن طبقاتی خود را شناخته و آشکار ساختند. برگ دیگر این تجربه، اتحاد و همبستگی کارگران و گسترش آن در بین توده های مردم بود. ما شاهد همبستگی کارگران فولاد اهواز با اعتصابات کارگران هفت تپه، حضور خانواده کارگران در این اعتصابات، دفاع دانشجویان پیشرو از این اعتصابات با شعار «فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم!» و حمایت از دستگیر شدگان از جمله اسماعیل بخشی و دیگر کارگران بازداشت شده هفته تپه و فولاد اهواز بعد از اخبار شکنجه شدن بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی، و همچنین همراهی توده های کارگر و محروم شوش و اهواز با اعتصابات، همبستگی «شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان ایران» از این اعتصابات، همراهی و حضور روزنامه نگار زنی شجاع و آگاه چون سپیده قلیان که به جای روزنامه نگاری عادی خود، همبستگی و حمایت از اعتصابات کارگران را با جان و به قیمت آزادی خود خرید، بودیم. همه اینها نشان از مرحله جدیدی در مبارزات جنبش کارگری با حضور زنان در ایران دارد.

و اما ویژگی مهمتر این اعتصابات، حضور زنان در این مبارزات از دیماه سال ۹۶ بوده است. زنان، از دیماه ۹۶ که مهر طبقاتی حضور طبقه کارگر را بر جنبش سراسری و اعتراضی دو ساله اخیر کوبیده، در اعتصابات کارگران هفت تپه در کنار مردان اعتصابگر نیز حضور داشته و به آن نیرو بخشیده اند، اما این بار با توجه به شرایط جنبش زنان بعد از خیزش سال ۸۸ و موقعیت وخیم اقتصادی زنان در ایران در سالهای اخیر بخصوص، و تجربه آموزی و نقش برجسته زنان در هر تظاهرات و همایش توده ای و مردمی در ایران، این حضور میتواند پیامد ها و دستاوردهای مهمتری برای زنان به طور عموم و زنان کارگر به ویژه و دستیابی به حقوق انسانی و رهایی آنها داشته باشد.

زنان کارگر و زحمتکش در ایران به عنوان محرومترین و ستمدیده ترین بخش طبقه کارگر، نتوانسته اند مثل همراهان مردشان سازمان یافته و متشکل از مطالبات و خواسته های اقتصادی و اجتماعی خود دفاع کنند. در حالیکه آنها نیز بخش جدایی ناپذیر از طبقه کارگر هستند و به مراتب بیشتر از کارگران مرد استثمار میشوند، ولی اعتصابات کارگران در ایران، بیشتر ← مردانه بوده و زنان حضور تعیین کننده



نخستین اهداف سرکوب رژیم و در برابر این هجوم، نخستین بخش به پاخاسته علیه این تهاجم ضد انسانی بوده اند. از همان روزهای نخست تا کنون، زنان همیشه و در هر رخداد و تحولی در صف اول اعتراضات و خیزشها بوده و همین ایستادگی و پویایی اعتراض های زنان، از جمله مقاومت های پرهزینه ای در برابر حاکمیت اسلامی بوده است. در نتیجه ی این ایستادگی های خونبار و مرگ آور، حکومت اسلامی نتوانسته آن چنان که در برنامه داشته، به عنوان اهداف، قوانین و سنت و فرهنگ ارتجاعی-طبقاتی خود به جامعه و به ویژه زنان تحمیل کند و زنان را به کنج خانه ها برگرداند یا به عنوان کالا و ابزار سرمایه افزایی و حاکمیت خویش، به مصرف برساند. گواه این واقعیت، حضور پر رنگ و پر شور و شوق زنان در خیزشهای توده ای و اعتراضات و اعتصابات کارگری یک سال اخیر در ایران است و بخصوص حضور زنان در اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، آموزگاران، هپکو در اراک و همایش های اعتراضی مال باخته گان و بازنشسته گان و سیل زدگان اخیر در سراسر ایران بوده است.

آنچه که ما در ماههای آبان و آذر ۱۳۹۷ شمسی و طی اعتصابات و اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز در شهرستان شوش و اهواز شاهدش بودیم در واقع به چند دلیل نقطه عطفی بود در مبارزات جنبش کارگری در ایران. در این تظاهرات کارگران با استفاده از تجارب گذشته و آگاهی طبقاتی خود، برگهای زرینی را به تاریخ مبارزات و تجربیات جنبش کارگری افزودند. یکی از این دستاوردها، ماهیت خود اعتصابات بود. کارگران در این اعتصابات بدون داشتن هیچ توهمی به دولت و کارفرمایان، آنها را هم کاسه خواندند و راه حل شورایی نظارت و کنترل کارگری خود را با شعار نان کار آزادی، اداره شورایی! پیش کشیدند. زنان، دوشادوش مردان کارگر در این مبارزه طبقاتی

این نوشته تلاش دارد ضمن پرداختن به حضور زنان در مبارزات یک سال گذشته در ایران، به گوشه هایی از تغییر و تحولاتی که در محتوا و ماهیت این حضور به ویژه زنان کارگر و زحمتکش بوجود آمده بپردازد.

زنان کارگر در ایران در واقع از یک ستم سه گانه رنج می برند: ستمی که استبداد سرمایه داری به وسیله سرمایه و کارفرما و در محل کار و کارخانه ها به عنوان کارگر زن به آنان تحمیل می کند، ستمی که اسلام حکومتی و ایدئولوژی مناسبات طبقاتی به شکل شرعی و قانونی به آنها روا داشته و ستمی که در نتیجه فرهنگ مردسالارانه در محیط خانه و محل زندگی و جامعه بر آنها تحمیل شده و می شود. تمام این ستم ها در بازنگری نهایی ستمهایی هستند که در مناسبات کالایی و تبعیض آمیز و استثمارگرانه نظام سرمایه داری ریشه و سرچشمه دارند.

جمهوری اسلامی سرمایه، در این چهل سال حاکمیت خود بر جامعه ایران، با تحمیل آپارتاید جنسیتی بر زنان، نزدیک به نیمی از افراد جامعه را از متن اجتماعی و سیاسی نه تنها به حاشیه رانده و محرومیتهای سنگینی به آنها تحمیل کرده، بلکه زن را به عنوان بشری ناقص و معیوب در همه ی عرصه های جامعه، نهادینه کرده است. بنا به ایدئولوژی و ویژگی مناسبات سرمایه داری انگلی در ایران، درجه مشکلاتی که جمهوری اسلامی برای جامعه به بار آورده، در مورد زنان چند برابر بوده و بزرگترین ضربه و آسیب ها نیز برتن و جان زنان کارگر و زحمتکش جامعه وارد آورده است. فقر، بیکاری، بیگاری، اعتیاد، تفروشی، اسارت، خوار شماری و خشونت مشروع و قانونی در تمام زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بخشی از ستم هایی هستند که در جامعه اسلامی سرمایه داری ایران، جاری و به صورت روندی معمول درآمده است. یکسوی غمبارچنین روندی، خودکشی و کشتار زنان است که به گونه ای روزافزون در سراسر ایران جاری است و تنها گوشه ای از آن گزارش می شود.

در این چهل سال حاکمیت اسلامی، ما در برابر این حاکمیت سیاسی و طبقاتی و حاکمیت ستم، شاهد مقاومت و مبارزات بی وقفه زنان ایران بوده ایم. زنان در همان نخستین روزهای به قدرت رسیدن حکومت اسلامی دز سال ۵۷

ای در پیشبرد مبارزه نداشته اند. در حالیکه که زنان در ایران، نیروی مهم و دارای نقش برجسته ای در خیزشهای توده ای و اعتراضات علیه حکومت اسلامی بوده اند، اما این نقش منسجم و سازمانیافته نبوده است. شرکت زنان در تظاهرات و همایش های آموزگاران و کارگران هفت تپه و دیگر اعتراضات کارگری میتواند گامی باشد در جهت درک این کمبود و رفع آن.

زنان کارگر، با سازمانیابی و برنامه ریزی برای حضور تعیین کننده در مبارزه و دستیابی به خواستههایشان باید همانند مردان کارگر دست به کار برپایی کانون ها و انجمن های همبسته ی خود شوند. زنان در این سازمانیابی، از سویی به عنوان زن، و در سوی دیگر همانند کارگر، به دفاع از حقوق انسانی و طبقاتی خویش برآیند. اگر چه درصد زنان شاغل رسمی در ایران نسبت به مردان بسیار کمتر بوده و هر ساله به دلیل سیاستهای زن ستیزانه و استثمارگرانه ی حکومت اسلامی و طرح هایی که برای راندن زنان از بازار کار و خانه نشین کردن آنها از مشارکت در تولید و حضور اجتماعی زنان کاسته می شود، ولی شکی در این نیست که زنان زیر ستم و زنان طبقه کارگر اکثریت زنان جامعه را تشکیل داده و هر روز با وخیمتر شدن اوضاع اقتصادی و ریزش بخش هایی از لایه های میانی به درون لشکر بیکاران بر شمار زنان بی پناه و زیر ستم افزوده میشود.

اکثر زنان شاغل در ایران در کارخانه هایی با کمتر از ۱۰ نفر کار میکنند که نه تنها شامل قانون کار جمهوری اسلامی نمیشوند بلکه با دستمزدهای بسیار پایینتر، مورد انواع تهدیدها و ستم ها قرار می گیرند. در شرایطی که بیش از ۹۰ درصد قراردادهای کار، سفید امضا و کار سیاه به کارگران تحمیل می شود، در بخش هایی که شامل قانون کار نمیشوند، شرایطی زجرآور بر کارگران زن حاکم است. کارگران در این کارگاهها، ساعات کار طولانی، با شدت استثمار بالا، در محیطی نا امن و با دستمزد های ناچیز، بدون هیچ نظارت و پشتوانه قانونی زیر تهدید و تجاوز به بردگی کشانیده می شوند. آنها همچنین با کار اجباری و اضافی، آزار جنسی، نبود امنیت شغلی و ایمنی کار و در محیطی رنج آور و بیماری زا و با کمبودها و شرایط مشقت بار کاری روبرو هستند. زنان با کوچکترین اعتراضی، با اخراج فوری و بدون هیچ حمایت قانونی تهدید و به خیابانها راند میشوند. افزون بر این زنان، میلیون ها زن کارگر در بخش خدمات و کشاورزی و کارخانگی و زنان دستفروش در سخت ترین شرایط قرار دارند. این زنان که اکثرا سرپرست خانواده می

باشند به خیابانها پرتاب شده تا با دستفروشی در خیابانها و در مترو و زیرزمین ها زیر سرکوب و هجوم اوباشان اجیر شده شهرداری ها و پلیس و نیروهای انتظامی، که اگر اندک هستی اشان مصادره نشود، بتوانند نانی به خانه برند. زنان تپه دست روستایی نیز در بخش کشاورزی و دامداری و قالیبافی و گاهی کوله بری تا آخرین نفس و بدون برخورداری از کوچکترین پشتوانه ی اجتماعی یا قانون کار در روستا ها و حاشیه های شهره ها، به جان کندن روزگار می گذرانند. نیز زنان جوان تحصیل کرده ای، که یا به خاطر تبعیضات ناشی از سیاستها و ایدئولوژی رژیم و یا نبود شغل از بیکاری عمرشان تپاه می شود و یا دختران نوجوانی که یا بدلیل فقر و یا به دلیل فرهنگ عقب مانده مناطقی که در آن زندگی میکنند، از آموزش و تحصیل باز داشته، به اجبار به ازدواج سپرده می شوند یا با انواع قید و بندها و محدودیت ها و محرومیت ها روبرو شده و می شوند، دچار مشکلات روحی و روانی شده و در مواقعی نیز دست به خود کشی میزنند، و یا در صورت تن ناسپاری کشته می شوند. تمامی این گزارشها، از جمله بیانگر شرایط زنان در ایران زیر حاکمیت مناسبات سرمایه داری اند. این لشکر عظیم زیر ستم، اما به هرگونه با حاکمیت ستمگر و ستمبار، ییوسته با مرگ برای زندگی دست به گریبان و در مبارزه بوده است.

در برابر چنین روندی، جنبش سوسیالیستی و فعالین کارگری باید نسبت به سازمانیابی و یکپارچه سازی این بخش عظیم تعیین کننده اجتماعی فعالانه و مسئولان به تلاش بپردازند. زنان کارگر با سازمان یابی و تجربه یابی، می آموزند که بخش جدایی ناپذیر از طبقه کارگر هستند و اینکه برای احقاق حقوق خود، باید به مبارزه طبقه کارگر بپیوندند. زنان، در این مبارزات هم از تجربیات کارگران مرد میآموزند، هم ضرورت پیشبرد مبارزه ای دوشادوش و متحد را درک میکنند و به اضافه، آن نگاه مردانه ای که بر اعتصابات و تشکل های کارگری سایه انداخته را به چالش می کشند.

تاریخ و تجربه مبارزات کارگری و کمونیستی جهان، بیانگر آن هستند که زنان برای رسیدن به رهایی به عنوان انسان برخوردار از تمامی بایستگی ها و شایستگی های یک انسان و برای رهایی از فرودستی و ستم و نابرابری، باید متحد و آگاه و سازمان بیابند. بهبود نسبی وضعیت زنان در کشورهای بزرگ سرمایه داری نسبت به زنان در کشورهایی مانند ایران، مدیون مبارزات زنان و مردان این کشورها به رهبری سوسیالیستها و کارگران متشکل پیشتاز و کمونیست می باشد. دستاوردهای

این مبارزات که برای کاهش ساعات کار، بیمه کارگران و بیکاران، افزایش دستمزدها، ایجاد مهد کودک، ایجاد شرایط و فرصت برابر برای استخدام و برخورداری از پشتوانه های قانون کار و غیره و با هزینه های مبارزاتی به دست آمده نیر هر لحظه در خطر بازستانی و در بیم و هراس محرومیت های اجتماعی قرار دارند و برای برقراری آنها هیچ تضمینی نیست.

زنان کارگر در جنبش کارگری با پیوستن به مبارزات کارگران آگاهی می یابند که برای رهایی از بردگی و استثمار چند گانه تحمیلی، و برای رهایی از ستم جنسیتی و طبقاتی، راهی جز مبارزه طبقاتی و به چالش کشیدن مناسبات سرمایه داری ندارند. حضور زنان و کودکان کارگران هفت تپه و فولاد و هپکو به اعتصابات آنها به این دلیل است که این زنان کارگر خود شاهد استثمار فجیع کارگران هستند. می بینند که مردان کارگر، همسران، برادران و پدران شان، با اینکه ساعاتهای طولانی کار میکنند و عرق میریزند و سرمایه می آفرینند، ماهها و سالها مزد آنها توسط سرمایه داران پرداخت نمیشود و در صورت درخواست، با سرکوب نیروهای سرمایه روبه رو میشوند. همایش های حق طلبانه و روزمره کارگران با سرکوب و کشتار و بازداشت و زندانی و شکنجه و گروگان گیری و تجاوز و نمایشهای تلویزیونی نمونه اسماعلی بخشی، سپیده قلیان، عسل محمدی، علی نجاتی ها و آموزگاران زندانی چون محمود بهشتی لنگرودی، صدیقه پاک ضمیر، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمد ثانی، روح الله مردانی، رسول بدافی، عالیه اقدام دوست، هاشم خواستارها و... پاسخ داده میشوند.

حکومت اسلامی سرمایه، که چهل سال است آپارتاید جنسیتی و انواع و اقسام تبعیضات و سیاستها و ستم های سادیستی و مرگ آور علیه زنان به کار گرفته است، باید با انقلاب سرنگون شود. خواست طبقاتی مشترکی که توسط یکی از زنان شجاع و پیشتاز در حمایت از اعتصاب کارگران هفت تپه فریاد کشیده شد و از کارگران ایران خواست که به حمایت کارگران هفت تپه برآیند، همبستگی مبارزه طبقاتی زنان و مردان کارگر و زیر ستم را فرا می خواند.

زنان کارگر و زحمتکش در خلال مبارزات خود درمیابند که هم ستمی که از لحاظی طبقاتی و به عنوان یک کارگر به آنها تحمیل میشود و هم ستمی جنسیتی که به عنوان زن به آنها تحمیل میشود، و هم ستم ایدئولوژیک اسلامی، هر سه در نتیجه مناسبات سرمایه دارانه و نظام مالکیت خصوصی هست که از پشتوانه و مشروعیت دینی نیز روایت می گیرند. به همین خاطر است که کارگران و سوسیالیستها

→ ستم طبقاتی و جنسیتی را به عنوان یک مساله طبقاتی نگریسته و مبارزه برای رهایی زنان از این ستمها را جدا از مبارزه طبقاتی نمی دانند. این بدان معنا نیست که زنان کارگر و سوسیالیست در جنبش کارگری فقط به مسائل اقتصادی کارگران اهمیت میدهند و به مسائل دیگر جامعه بی تفاوت باشند. جنبش زنان و بخصوص جنبش زنان کارگر به عنوان یک جنبش سیاسی و اجتماعی، جنبش همه کسانی است که در بند ستم و نابرابری های نظام سرمایه داری قرار گرفته و مبارزه ی آنان نیز علیه انواع ستم ها و ناروایی های طبقاتی، در راستای لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید می باشد.

در برهه ی کنونی، جامعه ی ایران در شرایط تغییر و تحول و فوران ناگهانی قرار گرفته است. جهت گیری و راستا یابی و پیشبرد رهایی بخش این تحولات نیز، جریان و نیرویی تعیین میکند که سازمان یافته و دارای برنامه و توان رهبری و آگاهانه و مسئولانه باشد. طبقه کارگر ایران، متشکل از زنان و مردان کارگر، علیرغم برخورداری از کمیت افزون بر ۵۰ میلیونی خود، نمی تواند بدون آگاهی و سازمانیافتگی در روند شرایط برای رهایی و یا تاثیر گذاری طبقاتی و یا حتی دستیابی به مطالبات و حقوق انسانی خویش، پیروزمند این مبارزه و یا تضمین کننده ی دستاوردی باشد. شرکت «همه با همی» یا شعارهای انحرافی تنها «ستم خانواده گی» و «تبعیض» بر زنان و یا به بهانه «یکپارچگی» مطالبات اجتماعی همه گروهبندی های طبقاتی و سیاسی، تنها شرکت در بازی و زمین دیگران برای ایفای نقش پیاده نظام مبارزه ای است که برای طبقه کارگر و زنان کارگر و تهی دست، سرانجامی فراتر از سال ۵۷ نخواهد داشت. از این روی ضروریست که فعالین زن و مرد در جنبش سوسیالیستی و کارگری و کمونیستی، زنان کارگر و زیر ستم را در ساختارها و کانون های مستقل طبقاتی سازمان داده تا نیرو و مبارزات آنها به مبارزات کل طبقه کارگر پیوند یابد. پیروزی انقلاب آتی در ایران در گرو سازمانیابی آن نیمه دیگر طبقه کارگر، یعنی زنان کارگر و تهی دست شهر و روستاست. زنان کارگر بدون حضور فعال در جنبش کارگری و بدون سازمانیابی نخواهند توانست از مطالبات طبقاتی، اجتماعی و سیاسی خود دفاع کنند و به استثمار و ستم طبقاتی و تبعیض جنسیتی که بر آنان تحمیل شده است پایان دهند.

۲۸ آوریل ۲۰۱۹

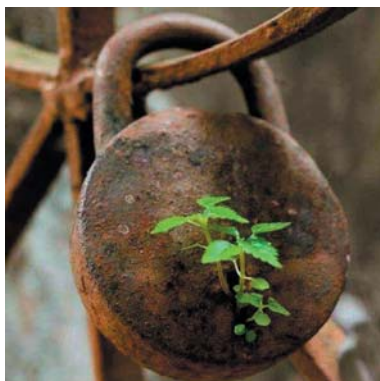
شاپیش روز جهانی کارگر را تبریک می گویم!  
ناهدید وفائی



به کرات به تو گفته بودم  
که من در آئینه ی آینده  
زمان روشنی را دیده ام  
زمانی که گرسنه گان دیگر...  
چشمان پر کین شان را نه بر یکدیگر  
بلکه بر آنان که نان شان را گرو گرفته اند  
می دوزند  
و قلب های شان  
نه در پشت در های بسته ی یاس  
بلکه در چشمه زاران امید و آرزوها می تپد  
باور نکردی  
گفتی خواب دیده ام  
گفتم و گفتم  
و تو با لبخند استهزا آمیزت  
خط بطلان بر گفته های من کشیدی  
پرسیدم مگر صدای جرقه ها را نمی شنوی؟!  
گفتی به زودی خاموش خواهند شد  
گفتم فشار بیش از حد، انفجار در پی دارد  
گفتی دشمن قوی تر است.

.....  
جرقه ای به گوش رسید  
سپس جرقه ای دیگر  
چشمانی پر کین و قلب های پر تپش  
در خیابان ها به خروش آمده بودند  
به ناگاه دیدم که تو  
همچون اسکناسی باطل  
بی اعتبار شدی  
و بعد

دیدم که همچون سنگی پس از انفجار  
فرو ریختی  
آنوقت بود که دریافتی  
تو با ناامیدی ادغام شده بودی  
تو خود تاریکی بودی.



## چهره های ماندگار:

## ویکتور خارا (ویکتور لیدو خارا مارتینز)

(Víctor Lidio Jara Martínez)

## هنرمند کمونیست، فریاد رسای کارگران



ویولتا در سانتیاگو نیز کافه ای داشت که محل دیدار روشنفکران چپ بود و در آنجا بود که ویکتور خارا با خواندن ترانه هایی محبوب شد و در سال ۱۹۶۶ نخستین آلبوم موسیقی خویش را به صورت صفحه گرام به نام آوازی برای انسان (Canto a lo humano) بیرون داد که نام ویکتور خارا را در میان مردم پرآوازه ساخت. در این آلبوم کلیسا را به کنایه گرفته بود، پس، پخش صدا از رادیو ممنوعه شد. هنوز با تئاتر همراهی داشت و برای ترانه خوانی و اجرا با گروه «کوئیلایون» همراه شد و آهنگ و ترانه «سرباز» را از زبان کارگران روستایی ساخت که به دستور حکومت به خون کشانیده بودند:

«سرباز به من شلیک مکن

به من شلیک مکن سرباز!

می دانم که دستانت می لرزند

مرا نکش!

من برادر تو ام!

لبوم «ال آپارسیدو» یا «شبح» ستایشی بود از ارنستو چه گوارا، که با نام بردن از او و برای تقدیم به این انسان انقلابی آماده شد، اما کمپانی هرگز با این درخواست موافقت نکرد. سال ۱۹۶۹ با اقدام برزگران بی زمین شورش مصادره زمین، سرکوب خونین کارگران روستایی را در برابر دید. در این سرکوب به دستور ادموندو پرز زاکوویچ، وزیر کشور حکومت دست نشانده آمریکا، دستکم ده تن از روستاییان تهی دست به خون غلتیدند و جان باختند و نزدیک به ۷۰ نفر به سختی با گلوله زخمی شدند. ویکتور خارا در محکومیت حکومت، به میدان آمد و در برابر حکومتیان فریاد زد:

«تمامی بارانهای جنوب نیز

کافی بسنده نخواهند بود

تا دستهای آلوده به خون تو را

پاک کنند!»

اوباشان حکومتی، در انتقام و هراس افکنی در سانتیاگو قمه کشیدند و خارا را به قصد کشت، مجروح ساختند. اینک شاعر و ترانه سرای انقلابی زاده شده بود و محبوب

دوش مادر بود تا آنگاه که اماندا از پای درآمد و برای همیشه در خاک آرمید. ویکتور ۱۵ ساله که رشته اقتصاد را آغاز کرده بود، دست از درس کشید و به کار پرداخت تا به جای مادر نیز هم مادر و هم پدر، نان آور خانه باشد. دل آزرده و غمگین در سوگ مادر و فشاری که بر او آوار شده بود به همراه برادر به دیر روی آورد تا در کلیسا داروی آرامبخشی بیابد. دوسال بسنده بود تا برای همیشه از دیر و مسیحیت روی برتابد. به ارتش چرخید، آنجا که همیشه حکومت ها به ویژه در آمریکای شمالی و جنوبی و لاتین، پرسنل می پذیرد تا به نیروی سرکوب و نگهبان سرمایه سازمان شان دهند. شش سال در ارتش ماندگار شد و هرگز با آن نهاد سرکوبگر همراه نشد. ارتش را ترک کرد و به دیار خود بازگشت، با گیتاری بی آنکه اندوخته یا درآمدی داشته باشد. در لونکن دوستانی یافت تا گروهی آوازه خوان دوره گرد در کوی و برزن باشند. به سوی تئاتر و گردآوری موسیقی مردمی روی آورد. به سانتیاگو بازگشت و در مدرسه تئاتر دانشگاه شیلی، ثبت نام کرد و هنرپیشگی و کارگردانی تئاتر را پشت سر گذاشت و همزمان به پژوهش موسیقی خلق ها پرداخت. ویکتور خارا در سال ۱۹۶۱ به روسیه و کوبا سفر می کند و در همین سال است که به عضویت حزب کمونیست شیلی در می آید، حزبی که بیش از آنکه کمونیست باشد، سوسیال دمکرات است در اعمار روسیه. او در این راستا در هنر نمایشی و موسیقی آفریننده ی یادگارهای درخشانی شد. در همین برهه بود که با «ویولتا پارا» سرشناسترین چهره ی تابناک خوانندگان زن آمریکای لاتین و از پایه گذاران موسیقی نوین شیلی، همراه شد.



آوای انقلابی اش در روزهای انقلاب بهمن ۵۷ «بریا خیز! از جا کن! بنای کاخ دشمن...» در ایران شورانگیز بود و هنوز یادآورها قیام که در هر ستاد انقلابی شنیده می شد. و آخرین ترانه اش پیش از تیرباران که مانیفست نام گرفت با ترجمه شاملو که او نیز بامداد را نوید می داد جاودان مانده است. سلاحش که گیتاری بود و ترانه- سرودهای انقلابی اش و نمایش های زنده اش بر سکوی نمایش خانه ها همانند سعید سلطانپور بر سنگرهای دشمن می بارید. کمونیستی از شیلی و در رهبری حزب کمونیست انقلابی زمینکاوان در کوه های مس و آهن. او در یک خانواده تهی دست و کارگر روستایی، روز ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۳۲ در شهرک لونکن (Lonquen) پیرامون سانتیاگو (Santiago) پایتخت شیلی در آمریکای جنوبی زاده شد. اماندا، مادرش با نواختن گیتار و ترانه خوانی و پدرش مانوئل، با کار، نانی به سفره می آوردند. کار جانفرسا در کشتزار و فرهنگ و فضای خشونت بار روستا و پناه بردن پدر به الکل و فرهنگ و مناسبات طبقاتی و مردسالار، ستم مضاعفی بود که مادر را در هم می کوبید. خارا آن روزهای سخت را اینگونه به یاد می آورد:

«چهره ی پدرم را

به سان سوراخی بر دیوار

ملافه هایی که با گل آلوده

به یاد مادرم

مادرم را که همیشه کار می کرد»

کوچ پدر، برای کار به روستایی دیگر با فاجعه همراه بود، ماریا خواهر کوچک تر با آب داغ از روی اجاق، دچار سوختگی شد که برای درمانش راهی جز سانتیاگو نبود. سانتیاگو، شهر کار و شورش، سرپناهی در پیرامون به آنان داد و مادر در بازار به دستفروشی روی آورد و شبها با گیتار و آواز در رستوران و دیرهنگام که به خانه می آمد باید لبخند می زد تا کودکان دل آزرده را با ترانه و گیتار، به لبخند و آرامش بیاورد. مادر، نخستین آموزگار ویکتور خارا ی نوجوان شد. مادر، آموزشگاهی در پایتخت یافت تا ویکتور و برادرش درس بخوانند. تا پانزده سالگی هزینه زندگی و درس، بیشتر بر

کارگران و تهی‌دستان. شیلی او را ستود و پژواک ترانه اش در آمریکای لاتین واکنش یافت.

«حزب کمونیست شیلی» همانند احزاب پرو روسی خود، نیز با این اثر انقلابی و یکتور خارا همراه نمی‌شود اما خارا در برابر کمپانی و حزب می‌ایستد و از «چه» اینگونه ترانه می‌سازد:

«باد از پس باد، در تعقیب»، «او فرزند شورش... هرگز از سرما شکوه نمی‌کند. هرگز از رویا شکوه نکرد. بی‌نوایان گذرش را لمس می‌کنند و در سایه روشن به دنبالش می‌روند.»

از سروده‌های شاعر و نویسنده تابناک شیلی که جهانی شد، پابلو نرودا، ترانه می‌سازد و در سال ۱۹۷۲ با اهداء جایزه ادبی نوبل به نرودا و به افتخار وی جشنواره ای عظیم در استودیو سانتیاگو برگزار می‌کند. این استودیو به زودی به گونه ای دیگر حضور و یکتور خارا را شاهد است، حضور یک بابک خرم‌دین.

در فاصله‌ی سال‌های پس از کودتا ترانه‌هایش ممنوع است. زن ترانه سرا و آوازخوان انقلابی، جون بائر از آمریکای شمالی که به ویژه ترانه «ما پیروز می‌شویم» (WE shall overcome) برای خارا ترانه می‌سازد و می‌خواند.

او همانند فدریکو گارسیا لورکا و مرگ خونین اش که با شکست مبارزان اسپانیا با کودتای فرانکو به خون نشانیده شد را در شیلی تجربه می‌کند. آرمان و یکتور را که آرمان انسان کمونیست است در آخرین پیامش در مانیفست چنین می‌آورد: «نه برای خواندن است که می‌خوانم. نه برای عرضی صدایم.»

ترجمه فارسی به یاری شاملوی همیشه ماندگار با آوا و زخمه‌های و یکتور خارا:

<https://www.youtube.com/watch?v=kGWXzTfmZdQ>

گیتار من: با برگردان شاملو و دکلمه مظفر مقدم:

<https://www.youtube.com/watch?v=۸۵lX۵۹۴qnuA>

ترانه، برای و یکتور خارا کالایی برای فروش در بازار داد و ستد نیست. برای او ترانه و هر زخمه بر گیتار، پیامی است زیبا که با مبادلات آرمانی، بین جان و عاطفه و اصول انسانی دریافت و ارزش‌گذاری می‌شوند، پیوند می‌یابند و موج بر موج می‌بندند تا بی‌کران‌ها می‌روند و بر هر موج، واژه ای بر بال تا به ماده و فهم درآیند و در هر خیز و خیزاب، خیزشی برای افکار عملی ستم به سلاخی کوبنده درآیند. با هر زخمه بر تارهای گیتار او،

نواهایی به رمز رله می‌شوند که تنها جان‌های شیفته در می‌یابند و کارگران و ستمبران رمز گشایشان پیام‌ها خواهند بود. ماریا زامبرانو، زن فیلسوف انسان‌دوست اسپانیایی که با سلطه ژنرال فرانکو فاشیست در اسپانیا به کوبا و مکزیک تبعید شد درباره‌ی آرمان خارا چنین می‌نویسد: «از واژه‌ی یوتوپیا (آرمان)، من یک زیبایی شگفت‌انگیز در می‌یابم. حتی در آن شمشیر تقدیر را می‌یابم، شمشیر فرشته‌ای که ما را به افقی راه می‌برد که پیشاپیش می‌دانیم ناشدنی است.» این اندیشمند اسپانیایی انسان را پی‌آمد رویایی بلند می‌یابد در بی‌کران. به باور او شاید تنها در همین رویاهاست که انسان، برون از مرزها و دیوارهای موجود، به غایت خود را می‌یابد. برای ماریا زامبرانو، وجود رویا (یوتوپیا) امر بنیادینی است در راستای انسان شدن. او به این باور دارد که: «هر نوستالژی اگر به هدفی هدایت شود، یوتوپیا می‌آفریند.» به این بیان و نیز آرمان و یکتور خارا و سعید سلطانیپورها و گارسیا لورکاها و مرضیه اسکویی‌ها و زرین تاج‌ها، این دیگر یوتوپیا و رویایی برآمده از درون یک فرد و تجربه انتزاعی و شخصی و منفرد نبود، رویای مادرش آماندا و ویولتاهاست برآمده از زیست و زندگی و جایگاه طبقاتی اشان و همبسته با ستمبران که با جان کارگر و رنجبر درآمیخته و به وسیله هنرمند و کمونیست بازتصویر می‌شود و با انقلاب و نیروی طبقه کارگر آفریده می‌شود تا شکوفا گردد. سوسیالیسم، نه اتوپیا، بلکه واقعیتی زمینی و دست‌یافتنی است که باید به حقیقت بپیوندد و یکتور خارا در قطب ضرورت انقلاب سوسیالیستی، رزمنده این راه انسانی است.

ویکتور خارا، با حزب کمونیست شیلی همراه است. این حزب، در سال ۱۹۶۹ با سوسیالیست‌ها و دیگر گروه‌های چپ شیلی اتحادی به نام «اتحاد خلق» سازمان می‌دهد که یک سال بعد، سالوادور آلنده را به سان کاندیدای این اتحاد برای انتخابات ریاست جمهوری پشتیبانی می‌کند. خارا در همین راستا، در استادیوم شیلی شهر سانتیاگو کنسرت بزرگی برپا می‌کند.

«اتحاد خلق» در انتخابات پیروز می‌شود، آوا و نام خارا اینک تافرا مرزهای شیلی و آمریکا لاتین شنیده می‌شود و به پرواز می‌آید. سال‌های ۷۰ تا ۷۳ به سراسر شیلی در سفر است و برای کارگران معدن مس و آهن و هر آنجا که زمین کاوان با کوه سرپنجه می‌سایند، در کارخانه‌ها، دانشجویان و دانش‌آموزان و میان آلونک نشینان و روستاییان تهی‌دست، به برگزاری جشنواره و پرواز ترانه با رنگ انقلاب برپا می‌کند. چهار آلبوم دست آورد این برهه

است.

روز ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۳ کودتای آمریکایی ژنرال پینوشه که با ساده اندیشی و ذهنیت سوسیال دمکرات‌ها در فرماندهی ارتش نشسته بود، به دستور اربابان سرمایه‌ی جهانی از کاخ سفید آمریکا فرمان آتش به اختیار داده شد. آلنده تنها چند معدن مس و بخشی از زمین‌ها را ناسیونالیزه (ملی) یا دولتی کرده بود و انقلاب یا سوسیالیسمی در میان نبود. آلنده باید به سرانجام محکوم مصدق که بیست سال پیش از آن در سال ۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی) با جرم اعلام دولتی (ملی) شدن نفت، به فرمان آمریکا با کودتای سرهنگ زاهدی - آیت‌الله کاشانی سرنگون می‌شد، آلنده و دولت سوسیال دمکرات وی و «جبهه خلق»، با خونین‌ترین شیوه سرکوب شد. این سرانجام هر پارلمنتاریسم سوسیال دمکراتیکی است اگر از مرز و قوانین سرمایه‌ی پای‌فرا نهد که باید به خون نشیند. سالوادور آلنده از این سرشت آزادی‌بخش برخوردار بود که تن به تسلیم نسپرد و با مسلسل دستی در کنار تنی چند از یارانش ایستاد و زیر بمب‌های فانتوم‌های آمریکایی و هجوم تانک‌ها و توپ‌ها به همراه تنی چند از یارانش جان باخت.

خارا نیز در همایش دانشجویان دانشکده فنی سانتیاگو، در آنجا که آموزش می‌داد، دستگیر شد، به همراه شمار زیادی از دانشجویان و انقلابیون به استادیوم سانتیاگو منتقل شد. در آنجا چهار شبانه روز بی‌نان و آب و بدون آنکه بگذارند چشم بر هم نهد شکنجه شد. سرانجام او را به میدان استادیوم آوردند و در برابر اسیران، دست راستش را شکستند و از او خواستند تا بخواند. و یکتور خارا «ما پیروز خواهیم شد "Venceremos"» که سرود «اتحاد خلق» شده بود را خواند. و یکتور خارا نخست ترانه‌های فولکلوریک شیلی را که نمایانگر «جبهه مقاومت خلق» بودند، خواند و سپس ترانه دیگری به نام «بیانیه» (مانیفست) را که شب دوم بازداشت خود سروده بود را با تمامی جان فریاد کشید. انگشتان دستانش را بریدن و سپس او را با گلوله از پشت سر بر خاک افکندند با ۴۴ گلوله بر پیکرش. در روز ۱۶ سپتامبر پیکر تیرباران شده او را در زیر زمین استودیو یافته شد و همسر و رفیق همراهِش «خوانا خارا» او را شناسایی کرد. خوانا تنها اجازه داشت تا در خاموشی بی‌آنکه مرگ و یکتور خارا را آشکار سازد، او را در گورستان همه‌گانی شیلی در سانتیاگو به خاک بسپارد و ناچار پیش از آنکه او نیز تیرباران شود به اسپانیا پناه جست. صدای و یکتور

خارا در شیلی حتی سال‌های ۱۹۹۰

## فراخوان های مشترک تشکل های مستقل کارگری در ایران برای بزرگداشت اول ماه مه



### فراخوان مشترک

**سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه**  
**سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه**  
**گروه اتحاد بازنشستگان**  
**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری**

### فرخنده باد اول ماه می (۱۱ اردیبهشت)

### روز اتحاد رزمنده ی کارگران ایران و جهان علیه نظام سرمایه داری!

حرکت دلیرانه ی صدها هزار کارگر شهرهای مختلف آمریکا در روز اول ماه می ۱۸۸۶ که برای برقراری ۸ ساعت کار در روز، اعتصاب کردند و بسیاری از آنان در صفوف متحد و فشرده در خیابان های شیکاگو با قدم های محکم و بدون ترس از پلیس و دیگر مزدوران سرمایه داری به تظاهرات برای خواست به حق خود روی آوردند تنها برای مقابله با سرمایه داران و کارفرمایان استثمارگر آمریکا صورت نگرفت؛ این جنبش همچنین پیامی بود برای همبستگی و اتحاد کارگران همه ی کشورها، فارغ از ملیت، جنسیت، عقیده، مذهب و نژاد در مقابل استثمار حاکم و شرایط دهشتباری که نظام سرمایه داری بر کارگران و دیگر مردم زحمتکش تحمیل کرده است. این پیام عملی، خونین و فراموش نشدنی که هنوز پس از ۱۳۳ سال در سراسر جهان طنین انداز است ادامه ی درسی بود که پیشروترین کارگران و اندیشمندان جهان با ایجاد اتحادیه بین المللی کارگران به طبقه کارگر ارائه کرده بودند. پیام اول ماه می حدود صد سال پیش در ایران نیز منعکس شد و کارگران ایران سال ها این روز را جشن گرفته و این روز به سنت مبارزه برای خواست های برحق کارگران، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، بازنشستگان، زنان و تمامی مزدبگیران زحمتکش، تبدیل گشته است.

نظام سرمایه داری در ایران بر مبنای ضرورت و تابعیت از مناسبات جهانی و تحت تأثیر بحران اقتصادی و عقب ماندگی مناسبات سرمایه داری داخلی، همواره به خشن ترین شیوه های سیاسی و اقتصادی در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران و مطالبات انبوه و پایمال شده ی آنان، توسل جسته است. این استثمار و خشونت نه تنها بر کارگران صنعت، معدن و کشاورزی بلکه بر سطح معیشت و شرایط اسفبار زندگی کارکنان رشته های مختلف خدمات و از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و ... نیز وارد گشته و صف بندی مشترک و مبارزه پیگیر در جهت کسب مطالبات را متمرکزتر ساخته است.

کشیده شدن مبارزات و اعتصابات کارگران به خیابان های شهرها همراه با خانواده ها و حمایت های کوبنده ی مردم (هپکو، هفت تپه، فولاد، سندیکای شرکت واحد و ...)، در اعتراض به مزدهای ناچیز، تحمیل گرسنگی و کوچک سازی سفره ی خانواده ها، معوقات و وضعیت ننگین قراردادهای، درخواست مسکن مناسب، فساد گسترده در

ممنوع بود. خوانا خارا، همراه زندگی اش در انتقال مخفیانه سرودها و به یاری گروهی موزسین از تلویزیون سوئد به بازتکثیر آلبوم ها پرداخت و در جهان بار دیگر صدای خارا موج گرفت.

آخرین ترانه

آخرین ترانه ی ویکتور خارا، «بیانیه» جاودانه ای است که روی پاره ای از روزنامه نوشته شده بود و به یاری یکی از جان به دربردگان آن کشتار دستجمعی در استادیوم به دست همسرش رسید: «پنج هزار نفر این جایم / در این بخش کوچک شهر / چه دشوار است سرودی سرکردن / آن گاه که وحشت را آواز می خوانیم / وحشت آن که من زنده ام / وحشت آن که می میرم من / خود را در انبوه این همه دیدن / و در میان این لحظه های بی شمار ابدیت / که در آن سکوت و فریاد هست / لحظه پایان آوازم رقم می خورد.» مانیفست " در آخرین ترانه این گونه بیانیه می شود تا راز و پیام و بینش انقلابی یک انسان کمونیست و کارگر را جاودانه سازد:

Yo no canto por cantar  
ni por tener buena voz  
canto porque la guitarra  
tiene sentido y razón  
Tiene corazón de tierra  
y alas de palomita  
Es como el agua bendita  
(..santigua glorias y penas

«نه برای خواندن است که می خوانم  
و نه برای عرضه ی صدایم  
نه!

من آن شعر را با آواز می خوانم  
که گیتار پُر احساس من می سراید  
چرا که این گیتار قلبی زمینی دارد  
و پرنده وار، پروازکنان در گذر است  
و چون آب مقدس  
دلوران و شهیدان را به مهر و مهربانی تعمید  
می دهد...»

و در مانیفست من...

«آری گیتار من کارگر است  
که از بهار می درخشد و عطر می پراکند  
گیتار من دولت‌مندان جنایتکار را به کار نمی آید  
که آژمند زر و زورند  
گیتار من به کار زحمتکشان خلق می آید  
تا با سرودشان آینده شکوفا شود...» (خارا  
- مانیفست - ۱۹۷۳)

۲۳ آوریل ۲۰۱۹

۱۳ - تأمین نیازهای فوری سیل زدگان از جمله خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان و مراکز آموزشی و تأمین مسکن مناسب و بازسازی رایگان و جبران همه خسارات آنها از جمله خسارات کشاورزان توسط دولت.

۱۴ - اعلام تعطیلی رسمی روز کارگر و آزادی برگزاری مراسم بزرگداشت اول ماه می در سطح کشور.

**گسترده، مستحکم و رزمنده باد  
اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران جهان!  
رسا تر و کوبنده تر باد فریاد حق طلبی  
کارگران و زحمتکشان  
علیه نظام سرمایه داری و قدرت های حامی آن!  
پر طنین باد پیام آزادی بخش اول ماه می  
روز جهانی کارگران!**

۲ اردیبهشت ۱۳۹۸

\*\*\*

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه گروه اتحاد بازنشستگان کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری اول ماه مه برابر با یازده اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر است. این روز، روز ما کارگران در سراسر جهان است. ما این روز را که حاصل مقاومت، ایستادگی و جانفشانی میلیون ها کارگر و انسان مبارز و از جان گذشته در اقصی نقاط دنیا برای پایان دادن به فقر و نابرابری و نابودی بهره کشی انسان از انسان است گرامی می داریم. برگزاری مراسم مستقل روز جهانی کارگر یکی از بدیهی ترین و خدشه ناپذیرترین حقوق اجتماعی ما کارگران است. ما پیشاپیش اعمال هر گونه محدودیتی در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را قویا محکوم میکنیم و با فراخوان به کارگران (شاغل، بیکار و بازنشسته) در سراسر کشور برای برگزاری هر چه شکوهمندانه تر مراسم این روز، دست در دست هم و متحدانه راس ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در مقابل مجلس " شورای اسلامی " گرد هم میائیم و بطور یکپارچه ای خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت و گرانی، و در کل شرایط مصیبت باری می شویم که به ما کارگران و همه مزدبگیران زحمتکش تحمیل شده است.

\*\*\*

**فراخوان مشترک  
اتحاد سراسری بازنشستگان ایران  
اتحادیه نیروی کار پروژه ای  
بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی  
بازنشستگان فلز کار - مکانیک  
جمعی از کارگران صنف فلز کار و مکانیک**

اول ماه مه برابر با یازده اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر است. این روز، روز ما کارگران در سراسر جهان است. ما این روز را که حاصل مقاومت، ایستادگی و جانفشانی میلیون ها کارگر و انسان مبارز و از جان گذشته در اقصی نقاط دنیا برای پایان دادن به فقر و

جریان جابجایی ها و خصوصی سازی ها در نهادها، مراکز و عرصه های مختلف، از جمله عرصه صنایع، دانشگاه ها، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و ...، بازداشت ها و پرونده سازی های بیشرمانه علیه کارگران، اعتصابات مداوم و سراسری معلمان و عدم حضور در کلاسها، تجمعات پیاپی بازنشستگان در مقابل مجلس، وزارت کار، سازمان برنامه و بودجه و سایر شهرها، تجمع و اعتصابات پرستاران در حیاط بیمارستان ها، اعتراضات وسیع دانشجویان، زنان، فعالان محیط زیست، همه و همه نشان دهنده این واقعیت است که استمرار این شرایط غیرانسانی و تحمیلی، راهی جز اتحاد و ارتقاء سطح مبارزات متشکل جاری مشترک برایمان دربر ندارد.

علاوه بر این، در نهایت تأسف بخش عظیمی از مناطق ایران و مردم محروم در معرض فاجعه سیل اخیر قرار گرفته، شماری از مردم جان خود را از دست داده اند و خسارت های عظیمی به سرپناه و دارایی های شهروندان وارد گردیده است. یکی از علل گستردگی خرابی ها و آوارگی مردم بر اثر بی مسئولیتی ارگان ها و متولیان حاکم، عدم رعایت استانداردها در ساخت و سازها و تخریب محیط زیست می باشد. این فاجعه تأثیرات مخرب و هولناکی بر زندگی و معیشت زحمتکشان این مناطق وارد ساخته است و کارگران و همه مردم حق دارند دولت را پاسخگوی رفع مشکلات و نیازهای خود بدانند و بر امر کمک رسانی و بازسازی این مناطق پافشاری کنند.

ما از همه ی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، بیکاران، دانشجویان و جوانان دعوت می کنیم با تجمع و همبستگی، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) را روز اعتراض نسبت به شرایط غیرانسانی موجود و طرح مطالبات برحق خود قرار دهیم:

- ۱ - تعیین مزد حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه برای یک خانواده چهار نفری.
- ۲ - آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی که برای خواست های خود مبارزه کرده اند و منع تعقیب قضایی آنها، آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و آزادی معلمان و دانشجویان زندانی.
- ۳ - برقراری بیمه بیکاری برای تمام بیکاران و جویندگان کار.
- ۴ - ترمیم مستمری بازنشستگان حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه، تأمین بیمه های اجتماعی کامل و کارآمد و مسکن مناسب برای بازنشستگان، نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق های بازنشستگی و شرکت در مدیریت آنها.
- ۵ - الغای هرگونه تبعیض جنسیتی، مذهبی، ملی و قومی در محیط کار و در سطح جامعه،
- ۶ - برابری مزد زنان و مردان در شرایط کار برابر و برابری حقوق کارگران مهاجر با سایر کارگران و رفع تبعیض از آنها.
- ۷ - منع کار کودکان
- ۸ - حق برخورداری از تشکل های مستقل و سندیکا و برقراری مذاکرات دستجمعی میان کارگران و کارفرمایان.
- ۹ - لغو قراردادهای سفید امضا.
- ۱۰ - آزادی بیان، تحزب، عقیده، اعتراض، گردهمایی، اعتصاب و راهپیمایی.

۱۱ - ایجاد یک صندوق با تعهد دولت برای پرداخت فوری تماممزدها و مزایای عقب افتاده کارگران.

۱۲ - ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست های مداخله گرانه، جنگ افروزانه و تجاوزکارانه از جانب هر دولت متجاوز را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم.

# JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN  
Editor: **Halmat Ahmadian** halmatean@hotmail.com

30 April 2019 NO: **408**



↪ نابرابری و نابودی بهره کشی انسان از انسان است گرامی می داریم.

برگزاری مراسم مستقل روز جهانی کارگر یکی از بدیهی ترین و خدشه ناپذیرترین حقوق اجتماعی ما کارگران است.

ما پیشاپیش اعمال هر گونه محدودیتی در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را قویا محکوم میکنیم و با فراخوان به کارگران (شاغل، بیکار و بازنشسته) در سراسر کشور برای برگزاری هر چه شکوهمندانه تر مراسم این روز، دست در دست هم و متحدانه راس ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در مقابل مجلس "شورای اسلامی" گرد هم میائیم و بطور یکپارچه ای خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت و گرانی، و در کل شرایط مصیبت باری می شویم که به ما کارگران و همه مزدبگیران زحمتکش تحمیل شده است.

\*\*\*

## فراخوان اتحادیه ی آزاد کارگران ایران

اول ماه مه برابر با یازده اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر است. این روز، روز ما کارگران در سراسر جهان است. ما این روز را که حاصل مقاومت، ایستادگی و جانفشانی میلیونها کارگر و انسان مبارز و از جان گذشته در اقصی نقاط دنیا برای پایان دادن به فقر و نابرابری و نابودی بهره کشی انسان از انسان است گرامی می داریم.

برگزاری مراسم مستقل روز جهانی کارگر یکی از بدیهی ترین و خدشه ناپذیرترین حقوق اجتماعی ما کارگران است. ما پیشاپیش اعمال هر گونه محدودیتی در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را قویا محکوم میکنیم و با فراخوان به کارگران (شاغل، بیکار و بازنشسته) در سراسر کشور برای برگزاری هر چه شکوهمندانه تر مراسم این روز، دست در دست هم و متحدانه راس ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در مقابل مجلس "شورای اسلامی" گرد هم میائیم و بطور یکپارچه ای خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت و گرانی، و در کل شرایط مصیبت باری می شویم که به ما کارگران و همه مزدبگیران زحمتکش تحمیل شده است.

